

سید محمد علی روضاتی (اصفهان)

کتابهای چاپی و خوشنویسان تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم

بهنگام شروع چاپهای سنگی در ایران (دهه ششم قرن ۱۳) حرفه کتابفروشی هم سر و سامانی بهتر از سابق یافت و تاجران متمکن بطبع کتب خوب و مورد نیاز - در هر رشته و مخصوصاً علوم دینی - بوسیله چاپ سنگی مبادرت ورزیدند^۱ که خدایشان همگی را اجر خیر دهد، و در این زمینه برای یافتن کاتبان خوش خط بشهرها و قصبات سر میزدند و نوعاً هم خواستار خط خوش بودند و طبیعتاً "بدنیال آن مطبعه" خوش سلیقه و باصلاح "متعهدو مسئول"، تا کتابی را که چاپ میکنند^۲ مایه رغبت خوانندگان باشند و هرچه زودتر نسخ آن بفروش برسد و نفعی عایدشان گردد و باز بکتابی دیگر دست بزنند. از این روی یک رقابت بسیار مفید و سازنده نیز در طبع کتاب پدید آمد، حتی چه بسا کاتبان و ناشرانی بودند که در آغاز و انجام نسخه خود برای بهتر جلوه دادن و بازار گرمی، کار رقیب قبلی را معیوب و مغلوط معرفی میکردند.

بهر تقدیر، در مدت کمتر از صدسالی که هنر و صنعت چاپ سنگی در ایران^۳ رایج بوده و صدها کتاب مورد نیاز مردم از کوچک و بزرگ، عربی و

فارسی، نظم و نثر بچاپ رسیده، اوضاع بهمان منوالی گذشته که اشاره کردیم. البته فرصت طلبانی هم بودند که کتب بسیاری را با نهایت صرفه جوئی و اقتصاد یعنی با کاغذ متوسط و پست و خط معمولی و چاپ نامرغوب بیازار می آوردند که چون همگی روی در نقاب خاک تیره کشیده و از این دارمحت بار ارتحال نموده اند فعلا" از ذکر نام آنان خودداری می کنیم، بالخصوص که همان نشریات بازاری هم در حد خود خدمتی بعالم دانش بوده، و هر کس بقدر همت خود خانه ساخته. این گروه دوم ناشران، بعلت وجود طالبان روزافزون آثار علمی، بهر کاتبی که قدرت نویسندگی داشت همین اندازه که دارای خطی خوانا بود قناعت میکردند تا با اندک هزینه کتاب مورد نظر را بطبع برسانند. از آن طرف، کاتبان هم برای کار خود نرخهای متفاوتی بر حسب اقتضا داشتند و اینجانب خوب بخاطر دارم که در سی و پنجسال پیش که مرحوم حاج سید سعید طباطبائی نائینی کتابفروش ماهر معروف در نظر داشت چاپ دوم "روضات الجنات" را مهیا کند کاتبی که ثلث اخیر کتاب را نوشت شخصی بود بنام میرزا علی مسمی پرست و بهنگام عقد قرارداد استنساخ، سه نوع خط از خود ارائه داد، اول هر صفحه، رحلی یکصد ریال، دوم هفتاد و سوم سی و پنجریال که ناشر حد وسط را گرفت و از صفحه ۵۵۸ تا ۷۴۸ که پایان کتابست بهمین نرخ آنرا استکتاب نمود. بگذریم که همان کار را امروز با صفحه‌ئی دویست تومان هم نمیتوان تمام کرد.

باری، فعلا" این مقدمه را کوتاه کنیم که خاطرات راجع باین مطالب از حوصله یک مقاله بیرون است و مقصود ما در اینجا ذکر خبری است از دو نفر نویسنده بنام تبریزی در نیمه دوم قرن سیزدهم و اوائل چهاردهم که اشهر آن دو محمدرحیم بن محمدتقی تبریزی است. وی در آثار قدیم خود (از جمله شرایع الاسلام ۱۲۸۵) بهمین نحو خود را معرفی کرده، لکن در آثار بعدی (مانند حاشیه ملا عبدالله ۱۲۹۵) و (شرح لمعه ۱۳۱۰) به جای محمدرحیم (عبدالرحیم) نوشته است و گویا در السنه وافواه (ملا رحیم)

شهرت داشته (خاتمه شرایع ملاکازم) ، در مقابل خوشنویس دیگر مورد بحث ما (ملاکازم تبریزی) که در پایان شرایع ۱۲۸۵ (محمدکازم بن المرحوم المبرور المغفور آخوند ملاعبدالعلی التبریزی) امضاء و در بالای تصویرهایش چنین نوشته است (صورت جناب میرزا کازم سلمه الله تعالی) .

این دونفر خوشنویس معاصر و همشهری که اتفاقاً در نوشتن فنون نسخ و نستعلیق ، متن و حاشیه کتب را بیک شیوه و اسلوب و در کمال ملاحظت و ذوق انگیز و رغبت افزا مینوشته اند^۴ هرکدام در مطبعه یا مطابع خاصی در تبریز - که غالباً نام مطبعه هم در آغاز یا انجام نسخ آمده - عموم کتب مورد نیاز طلاب و مشتعلین و فقهاء عظام را از "جامع المقدمات" که نخستین کتاب درسی طلاب است گرفته تا کتب فقهی سطوح از قبیل "شرایع و شرح لمعه" برخی را یکبار و بعضی را مکرراً روی کاغذ مخصوص چاپ سنگی و با مرکب خاص نوشته و بطبع رسانیده اند و از همان روزهای اول انتشار چون ورق زر دست بدست می گشته . مع الاسف ما اطلاعی از زندگانی این خوشنویسان خوب در دست نداریم و این دین اخلاقی بعهده فضیای دیارشان است که اگر اطلاعی از آنان و خاندانشان دارند برشته تحریر درآورده و در جایی نشر دهند که در حدیث شریف آمده است "من ورخ موءنا" فقد احیاه" و قوله تعالی "ومن احیاهما فکانما احیی الناس جمیعاً" .

اینک در اینجا بمعرفی یک اثر خوب از مرحوم ملاکازم که مشتمل بر تصویر شخص او نیز هست میپردازیم و رابطه این اثر را با نسخه چاپ مرحوم عبدالرحیم بیان می کنیم ، و مقدمه گوئیم که "شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام" تألیف بزرگترین فقیه شیعه شیخنا نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن حسن بن سعید هدلی معروف به محقق حلّی (متولد ۶۵۲ متوفی ۶۷۶) قدس الله تعالی روحه الشریف که یکدوره کامل فقه اهل بیت اطهار (سلام الله علیهم) است از زمان تألیف مرجع فقهاء و محصلین شریعت مطهر ، واقع شده و با اینکه از قدیمیترین ایام تا عصر حاضر پیوسته

قول المصنف في هذا الكتاب... في بيان ما ينبغي ان يعرفه كل مسلم... من اصول الدين... والاشياء التي فيها اختلاف بين النحل...

من كتاب الرضا... في بيان ما ينبغي ان يعرفه كل مسلم... من اصول الدين... والاشياء التي فيها اختلاف بين النحل... كتاب الرضا... في بيان ما ينبغي ان يعرفه كل مسلم... من اصول الدين...

في بيان ما ينبغي ان يعرفه كل مسلم... من اصول الدين... والاشياء التي فيها اختلاف بين النحل... كتاب الرضا... في بيان ما ينبغي ان يعرفه كل مسلم... من اصول الدين...

كتاب الرضا... في بيان ما ينبغي ان يعرفه كل مسلم... من اصول الدين... والاشياء التي فيها اختلاف بين النحل...

بسم الله الرحمن الرحيم... كتاب الرضا... في بيان ما ينبغي ان يعرفه كل مسلم... من اصول الدين... والاشياء التي فيها اختلاف بين النحل...

بزرگان علماء شروع عدیده بر آن نوشته‌اند، مع الوصف اصل کتاب هیچگاه متروک نگردیده و لذا علاوه بر نسخه‌های خطی بسیاری از آن که اهل علم خود برحسب ضرورت مینوشت‌اند، از بدو ظهور صنعت چاپ سنگی تا همین ایام اخیر که چاپ حروفی بدرجه کمال رسیده همواره باشکال گوناگون طبع و نشر شده و میشود، و ناگفته نماند که رواج و شهرت کتابی تا بدین حد نیست مگر از اثر خلوص نیت مؤلف بهنگام نوشتن کتاب خود. خداوند قلب همگان را خالص و بی شائبه گرداناد، بمنه و کرمه.

باری، کتاب شرایع، بطوری که از "فهرست کتب چاپی عربی" آقای مشار سلمه‌الله مستفاد میشود، اولین بار بسال ۱۲۵۵ قمری در کلکته چاپ شده است. مأخذ آقای مشار در این باره معلوم نیست و گویا خود، نسخه آنرا ندیده‌اند که هیچگونه توضیحی بیش از دو کلمه (کلکته ۱۲۵۵ ق) نداده‌اند. پس از آن بسالهای ۱۲۶۷ و ۱۲۷۱ و ۱۲۷۴ و ۱۲۷۶ و ۱۲۸۴ و ۱۲۹۴ و ۱۳۱۱ و ۱۳۲۳ و یکبار هم بدون تاریخ، جمعا نه بار در طهران چاپ سنگی شده است. اما چاپهای شرایع در تبریز که آنرا نیز آقای مشار نوشته‌اند باین شرح است: چاپ عبدالرحیم بسال ۱۲۷۵ که ذیلاً توضیحی در باره آن خواهیم داد، و ۱۲۷۸ و ۱۲۸۴ (چاپ ملاکاظم) و ۱۲۸۵ (ایضا) چاپ ملاکاظم که ظاهراً اولی زائد و اشتباهست، و ۱۲۹۵ (بخط عبدالرحیم که در ۱۳۷۷ در طهران از روی آن کرور شده است) و ۱۳۰۲ و ۱۳۰۹ و ۳۲۰ این جمع نسخه‌های چاپ سنگی "شرایع الاسلام" بود که از فهرست مشار مستفاد شد، شاید غیر از اینها هم باز بطبع رسیده باشد، والله العالم. از چاپ ۱۲۸۵ محمدرحیم نسخه‌ئی اینک در دست اینجانب است که تاریخ ختم کتابت جلد اول آن در نیمه‌های ماه مبارک (رمضان ظ) ۱۲۸۴ و جلد دوم نیمه‌های ماه صفر ۱۲۸۵ میباشد^۵. و نیز یک نسخه از چاپ محمد کاظم اکنون حاضر و در نظر است که تاریخ ختم کتابت جلد اول غره ربیع اول ۱۲۸۴ (در ذیل صفحه ۱۲۸۵ قید شده) و جلد دوم ۱۶ ربیع دوم ۱۲۸۵ میباشد. و درهاش صفحه آخر نوشته‌اند: "قریب بهزار غلط فاحش درست

سيدنا حبيبنا خير سائر مله و دونه تارينا و كثر من اهل الاسلام صلواته و رحمة الله عليه
 من مسبب انشور الختات بالاراض من فروع و ما حبله الاخر النبين امر الله سبحانه بيوتهم و حكاية رسول
 الله صلى الله عليه و آله و آله و سلم فيهم و العمل سنة هم حتى قرءتم و ان كان ابو الجيد الذي لا ياتر باهل من
 بن بديهم و كان من خلفه تزيون حكيم و سئل ان يفضلا محبتهم و مشيكم و ان يجعلنا من
 شيعتهم الا الذين في شفا حتم اترى ذلك و الحمد لله و رب العالمين و صلى الله على محمد و آله و صحبه
 و سلم

و قد وثقتنا الله بقله بمنه العظم لا تمام هذه التفتحات في ما المبراع بحول و قوتهم و الاحول و كما

نور الامان الله العلي العظيم الكرم في عهدنا سلطانا الاعظم و الحما قانرا الا في ماضي دنار الكفر

و الطغيان و محي النامر الذين و الايمان السلطان السلطان و الحما قانرا الا في ماضي دنار الكفر

ابن الخاقان ناصر بقدر الخمار ناصر الدين شاقانبا

خلد الله ملكه و سلطانا ابو مرقراد محمد و آله و الاحكام الاطمان

صلواته و رحمة الله عليه و آله و سلم و كذا في سيرة هذه

محمد تقي الشيرازي

محمد تقي الشيرازي في العشر ائمة من النبي

العشر ائمة من النبي

العشر ائمة من النبي

شاهين

ان الله انما امر بالحيو المصطفى على ما اظهره الا في التجدد و كذا في كتابها من الحاج المعبر عن حاجات

و نلتس من ينفع من هذه الادب انما الله سبحانه و آله و سلم انما الدعوى المخرجة

لما يشر و كما يشر و لو لا الله و آله و سلم و لو لا انما الله و آله و سلم

بفضل الله و صلواته على النبي و آله و سلم و ما لا يحضرنا

للمؤمنين و المؤمنات و لا يهتروا بها

ترك خطه و يفضي جوزا في البيت الاخرة و العون و تاريخ كتاب كرد بسيدا

و ناصب محمد

رحمت بكى عن جوزا بقوله برنا سخ ان زحق بكى

شد، نسخه قدیمی ملارحیم بسیار معشوش بود، از روی نسخه جواهر و مسالک و سایر نسخ صحیحه ملاحظه شد " انتهى .

از این عبارت بخوبی مستفاد میشود که ملارحیم چند سالی قبل از ۱۲۸۴ نیز نسخه دیگری نوشته و چاپ کرده بوده است که اینک ما از آن اطلاعی نداریم و شاید نسخه آن در برخی کتابخانه‌های عمومی یافت شود. دیگر اینکه در این چاپ ملاکظم اگرچه اشاره‌ئی بجای همزمان ملارحیم نشده اما نمیتوان تصور کرد که از آن بی‌خبر بوده و شاید میخواست کار خود را جلوه دهد و ضمناً کار سابق ملارحیم را هم بی‌اعتبار ساخته که طبیعتاً "کار جدیدش نیز خدشه‌دار میشد. اما عبرت‌آور است که با همه این نقاضت‌ها و چشم و هم‌چشمیها تمام کارهای ملارحیم پیوسته برکارهای ملاکظم رجحان و برتری و رواج چشم‌گیر داشته و دارد. خداوند سبحان هر دو نویسنده را غریق رحمت و احسان خود فرماید که این همه آثار خیر و خوب و مفید و فراوان را از خود بیادگار گذاردند و تا باقی است اهل علم رهین منت‌خوان فضیلت آنانند، اگرچه بحساب رقابت و چشم و هم‌چشمی سعی در بهتر نوشتن آثار خود کرده باشند که این خود نیز نعمتی دیگر بوده است.

مرحوم ملاکظم گاه رجزخوانی و حماسه‌سرائی و مبارزطلبی هم کرده است، چنانکه شعر "کردار بیار" در پایان شرایع و مغنی خطا و مبین این امر است، الله‌العاصم .

در پایان این گفتار ناگفته نگذاریم که در سالهای ۱۸۶۲ و ۱۸۶۷ م قسمتهائی از کتاب شرایع محقق حلی (قدس سره) را روسها بزبان خودشان درآورده و در سنت‌پترزبورگ در دو جلد چاپ کرده‌اند، و شاید همین‌کار راهنمای شخصی فرانسوی بنام "T. کری" بوده که او همه آن کتاب را بزبان فرانسه ترجمه و در دو جلد بسال ۱۸۷۱ م در پاریس چاپ کرده است . آقای مشار در فهرست سابق‌الذکر خود نوشته‌اند که "شرایع" درلندن نیز بجای سربسی رسیده است، اما هیچگونه توضیحی دراین باره نداده‌اند، والعلم عندالله سبحانه .



در میان نسخه‌های خطی فراوان شرایع بهترین نسخه‌ئی که اینجانب تا بحال دیده‌ام، همانست که در زمان مؤلف استنساخ و بنظر خود آن جناب رسیده و مشتمل بر خطوط او نیز میباشد و اکنون این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود و شایسته است چاپ منقحی بر مینای آن نسخه عزیز بعمل آید تا همه اهل علم در سراسر جهان اسلام از آن متمتع گردند، والله الموفق.

توضیحی پیرامون تصاویر

تا آنجا که میدانیم از مرحوم عبدالرحیم خوشنویس تبریزی تصویری در دست نیست، و نیز در خاطر نداریم که در جایی از نوشته‌هایش بلند پروازی کرده و کار خود را چه بزبان خویش و چه بزبان دیگری بسوده باشد. اما مرحوم ملاکاظم علاوه بر مدح و تعریفی که در آغاز و انجام شرایع مشاهده میشود، تصویرش نیز در صفحه اول چاپ شده و در آن تصویر، علاوه بر کتب و دفاتر، دستگاه سماور و قوری و فنجانش را نیز در مقابل دارد، بساطی که تازه از روسیه وارد ایران شده بود. در این تصویر، نام مصور دیده نمیشود، و فقط در بالای صفحه عبارت "چاپ دارالسلطنه تبریز بهجت‌انگیز ۱۲۸۴" نوشته شده. اما در زیر تصویر صفحه اول سیوطی ("البهجة المرضیه" کتاب دیگری که لابد بخط ملاکاظم است اگرچه نام کاتب در آن دیده نمیشود) آنجا که جناب میرزا کاظم چیق بدست مشغول تحریر است عبارت "عمل نصرالله‌خان ۱۲۹۲" نوشته شده، در حالی که تاریخ ختم کتابت نسخه سنه ۱۲۸۷ میباشد، و در صفحه آخر آن نیز شکل دیگری است از جناب میرزا و ذیل آن شرحی بوده که نظر بمصلحتی بهنگام چاپ چند کلمه آنرا محو کرده‌اند و آنچه خوانده میشود اینست: "بجد و جهد... تمام یافت". لابد این صورت نیز "عمل نصرالله‌خان" است. اما این هر دو تصویر خیلی زشت‌تر از چهره مندرج در شرایع می‌باشد.

دیگر مطلبی برای گفتن و نوشتن نداریم و ناگفتنی‌ها با مشاهده

Handwritten text in the top right margin, including a list of names and titles.

Handwritten text in the top middle margin, including a list of names and titles.

Handwritten text in the top left margin, including a list of names and titles.

Main body of handwritten text in the upper section of the page.

صفحة آخر مفتي

صفحة آخر سيوطي ملا كامل

Main body of handwritten text in the lower section of the page, including a large signature and various annotations.

تصاویر گزیده شده معلوم میگردد ، والسلام خیر ختام .
اصفهان . شب شنبه ۱۸ محرم الحرام ۱۴۰۰ قمری
مطابق ۱۷ آذرماه ۱۳۵۸ شمسی

زیرنویسها

- ۱ - راجع بجایهای حروفی قدیم نیز یادداشتهائی داریم که شاید روزی سروسامان یابد و در جایی نشر شود .
- ۲ - درست برخلاف معمول زمان حال که هر روز رقابت بر سر بدتر چاپ کردنست!
- ۳ - همزمان با رواج چاپ سنگی در ایران ، چاپخانه‌های مرغوب و نویسندگان خوبی هم در هندوستان و بخصوص شهر بمبئی بدین حرفه اشتغال داشته کتابهای فراوانی که از انتشارات همزمان ایران هم بیشتر بوده چاپ زده‌اند . قدری هم در عثمانی و ممالک دیگر مانند بلاد عرب و مصر و عراق و غیرها .
- ۴ - اتفاقاً خوشنویس بسیار ممتاز دیگری در طهران بتقلید از این دوتن ظاهر شد بنام احمد بن محمدحسین تفرشی طادی که "مطول تفتازانی" را عیناً بشیوه آنان در ۱۳۰۱ ق نوشته و در طهران بجای رسانید که بسیار مرغوب واقع شد . کتابهایی که این سه نفر و بخصوص دوکاتب تبریزی بتقلید از یکدیگر نوشته‌اند بحدی بهم شباهت دارند که تمایزی در بین دیده نمیشود ، و اینجانب گمان میکنم ملاکاظم اسن از ملا - رحیم و او اسن از احمد بوده است ، والله العالم .
- ۲ - ناگفته نماند که محمدرحیم در خاتمه جلد دوم شرایع اگرچه تاریخ کتابت را که خواسته است بحریمی بنویسد دچار اشتباه شده و بده سال بیشتر ضبط کرده و چنین نوشته است : "فی العشر الثانی من الشهر الثانی من شهر السنه الخامسه من العشر الثامن من المائه الثالثه من الالف الثانی" اما محققاً این تاریخ اشتباه است بدو دلیل : یکی آنکه در

خاتمه، جلد اول تاریخا بعربی "فی السنة الرابعة من العشر التاسع من المائة الثالثة" و بعد برقم سه ۱۲۸۴ قید کرده، و دیگر آنکه در همان خاتمه، جلد دوم، ماده، تاریخی هم باین کیفیت نوشته است:

"ترک خط نو، بفصل جوزا تاریخ کتاب کرد پیدا رحمت بکسی که عفو جوید برناسخ این زحق یکتا"

و جمله، "ترک خط نو" دقیقاً مطابقست با ۱۲۸۵. پس لابد جناب مشارکه تاریخ طبع این نسخه را ۱۲۷۵ نوشته اند فقط همان عبارت عربی را گرفته و تاریخ جلد اول و ماده، تاریخ جلد دوم را دقت نکرده اند.

یادداشت توضیحی

سالهاست که به جمع آوری اطلاعات مربوط به نقاشی کتابهای چاپ سنگی پرداخته‌ام و در تجسس این زمینه بعضی اطلاعاتی راکه به دست آمده است در مجلات از جمله "راهنمای کتاب" و گاهی در "هنر و مردم" به چاپ رسانیده‌ام. چندی قبل نسخه‌ای چاپی از بهجه المرضیه سیوطی دیدم که در صفحه اول و آخرش تصویری از طبع ملاکاظم در دو مجلس متفاوت چاپ شده بود و نام نقاش آن "آقا بالا" ذکر شده بود و سال طبعش (آنقدر که در خاطر سپردم) ۱۲۷۳ قمری بود. چون صاحب کتاب رضایت نداد که عکسی از آن برداشته شود در پی آن برآمدم که نسخه دیگری از آن چاپ را بیابم و آن دو تصویر استادانه را به چاپ برسانم و ضمناً با عکسی همراه کنم که از تصویر چاپ کننده، یکی از چاپهای شرایع الاسلام بیست سال پیش در لندن یافته بودم و متأسفانه چون قسمتهائی از اطراف عکس پاره شده بود معلوم نبود که عکس کی است و به حدس می‌پنداشتم که تصویر "عبدالرحیم" باشد.

پس موضوع را با دوست دانشمند خود حجت الاسلام آقای سید محمد علی‌روضائی که کتابخانه‌ای نفیس در اختیار دارد در میان گذاشتم و از ایشان درخواست کردم که چاپ بهجه المرضیه را بیابند و در اختیارم بگذارند تا در مجله چاپ کنم. پس از چندی ایشان مؤده دادند که چاپ بهجه المرضیه را یافته‌اند و دو تصویر معهود را دارد و اتفاقاً خودشان به چاپ شرایعی هم برخورد کرده

بودند که دارای تصویر چاپ کننده است و معلوم شد که این تصویر هم از آن ملاکاطم است نه عبدالرحیم (چنانکه در تصور من رفته بود) درین خصوص مرفوم فرمائید . اینک بانهایت امتنان به درج مقاله عالی ایشان مبادرت می شود و ضمن آن از صاحبان چاپهای قدیم استدعا می شود که در صورت داشتن چاپ بهجه المرضیه ۱۲۷۳ ملاکاطم آن را نیز در اختیار ما بگذارند زیرا آن دو تصویر استادانه ترست و کار یک نقاش دیگر (آقابالا) معرفی خواهد شد .



صفحه اول سیوطی ملاکاطم